

از این رو، خداوند در این آیه منافقان را نابخرد و سفیه خوانده است؛ چون عقل خود را اسیر هوا و هوس زودگذر دنیایی قرار داده‌اند.

### آیه ۱۴ - شیطان:

به عقیده‌ی برخی از مفسران و لغت‌شناسان، اصل این کلمه «شَطَنَ» به معنای «دورشدن» است و «شیطان» به معنای «دور شده از خیر و خوبی» است. واژه‌ی شیطان بیشتر درباره‌ی «ابلیس» - که مظهر شرارت و ناپاکی است - به کار می‌رود؛ اما در حقیقت همه‌ی کسانی را که در مسیر ناپاکی قدم بردارند، در بر می‌گیرد. از همین رو، خداوند در این آیه از سران کفار و منافقین به عنوان شیطان نام برده است.

### پیام‌ها

۱- در تبلیغ دین، انتظار ایمان آوردن همه‌ی مردم را نداشته باشیم. «أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ»

۲- آثار نیرنگ، به صاحب آن برمی‌گردد. «وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ»

۳- از دیرباز، منافقان خود را اصلاح‌گر معرفی می‌کردند و با ارائه‌ی تصویر نابجا از اعمال خود، در صدد فریب مردم و توجیه کارهای خلاف خویش‌اند. «إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ»

۴- منافقان با کفار ارتباط تنگاتنگ و تشکیلاتی دارند و از آنان خطّ فکری می‌گیرند. «شِیَاطِينِهِمْ»

۵- عاقبت مؤمن، هدایت «عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ» و سرانجام منافق، انحراف است. «مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ»

۶- دنیا چون بازاری است که مردم، معامله‌گران آن و اعمال و انتخاب‌های ایشان، کالای مورد معامله است. «اشْتَرَوْا ... فَمَا رِبْحُ تِجَارَتِهِمْ»

بسم الله الرحمن الرحيم

### واژگان

۱- أَنْذَرْتُ: بیم‌شان دادی.

الْإِنذَارُ: خبر دادنی که در آن ترساندن هم باشد.

۲- خَتَمَ: مهر زد.

در گذشته، بر روی کیسه یا نامه‌های ارسالی مهر می‌نهادند تا سر بسته بماند. در این آیه، قلب کافران به همان بسته‌ها و کیسه‌های نفوذ ناپذیر و سربسته تشبیه شده است که دیگر نمی‌توان در فهم و درک آنان تغییر ایجاد کرد.

۳- لَقُوا: ملاقات می‌کنند. (لِقَاء: رو به رو و مصادف شدن)

۴- يَعْمَهُونَ: سرگردان می‌شوند. (عَمَه: سرگردانی و حیرت)

۵- مَا رِبْحَ: سود نکرد. (رِبْح: به دست آمدن سود در معامله)

### نکات تفسیری

### آیه ۶ - دورماندگان از هدایت قرآن:

پس از بیان برجستگی‌های اخلاقی دسته‌ی اول مردم (متقین)، در این آیات، کافران به عنوان گروه دوم ذکر شده‌اند. کسانی که آیات قرآن را با قلب یا زبان خود انکار می‌کنند و دیگر امیدی به هدایت‌شان نیست. البته مراد از کافران در این آیه، همه‌ی کافران نیستند؛ زیرا بسیاری از کافران بعدها ایمان آوردند و دل‌های‌شان نرم شد؛ بلکه مقصود، گروهی هستند که بر کفر ثابت بوده و در اثر دشمنی در برابر حق، زمینه‌ی هدایت را به کلی از دست داده‌اند و به گونه‌ای با پیامبر صلی‌الله‌و‌آله‌وسلم ستیز و لجاجت دارند که دیگر تبلیغ وی در آنان اثر نمی‌گذارد؛ گویا بر دل‌های آنان مهر غفلت و خاموشی زده شده است.

### آیه ۷ - مراد از مهر نهادن خداوند بر قلب کافران:

معنای این که خداوند بر دل‌ها و گوش‌های کافران مهر نهاده و بر چشم‌هاشان پرده افکنده است، این نیست که آنان مجبورند کافر بمانند و دیگر قدرت تشخیص حق را نخواهند داشت؛ زیرا کفر و لجابت خود آنان باعث شده که قلب آنان همواره نسبت به پذیرش حق واکنش منفی نشان دهد و این به تدریج برای آنان به صورت ملکه‌ای نفسانی و عادت درآید. در نتیجه، خودشان توفیق توبه را از خویش سلب نموده‌اند و خداوند تنها بازتاب اعمال‌شان را به آن‌ها برگردانده است.

### آیه ۸ - پدیده‌ی نفاق:

از این آیه تا آیه‌ی بیستم، سخن پیرامون دسته‌ی سوم از مردم؛ یعنی منافقان است. در نخستین ماه‌های هجرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه، اولین آثار پدیده‌ی نفاق آشکار شد. منافقان در عصر پیامبر اکرم و سال‌های بعد از آن حضرت، ضربه‌های جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی اسلام وارد کردند. به همین جهت در سوره‌ی بقره و در سوره‌های بعد، پیرامون نفاق و دسیسه‌های گوناگون منافقان مکرر سخن به میان آمده است. مهم‌ترین ویژگی منافقان، این است که چون دچار خودفریبی شده‌اند و با دو شخصیت درونی و بیرونی زندگی می‌کنند، اراده و توانایی تحقق خواسته‌های خویش را ندارند و زندگی آنان سراسر دروغ شده است؛ به گونه‌ای که مقیاس تشخیص فساد از صلاح را به کلی از دست داده‌اند و تنها کارهای خود را بر محور حق دانسته و دیگران را مستی سفیه و بی‌خرد می‌خوانند. خداوند نیز آنان را به خود وامی‌گذارد تا از نعمت بصیرت و دیدن حقیقت محروم و کور بمانند.

### آیه ۱۰ - مراد از قلب در قرآن:

در قرآن از حقیقت وجود انسان؛ یعنی جان و روح او به «قلب» تعبیر شده است. از برخی آیات فهمیده می‌شود که قلب و روح آدمی هم‌چون جسم او دارای سه حالت سلامت، بیماری و مرگ است. قرآن درباره‌ی «سلامت قلب» می‌فرماید: «در روز قیامت مال و منال انسان به حال او سودی نمی‌بخشد؛ مگر کسی که با قلبی سلیم به پیشگاه خدا آید.» (شعرا/۸۸ و ۸۹) درباره‌ی «بیماری قلب» نیز می‌فرماید: «در دل‌های منافقان نوعی بیماری است» (بقره/۱۰). مقصود از بیماری دل، ورود شک و تردید در آن است. درباره‌ی «مرگ قلب» آنان نیز می‌فرماید: «تنها کسانی دعوت تو را می‌پذیرند که گوش شنوا دارند؛ اما مردگان (آن‌ها که روح انسانی را از دست داده‌اند)، ایمان نمی‌آورند و خداوند آن‌ها را در قیامت بر می‌انگیزد.» (انعام/۳۶)

### مراد از افزایش بیماری منافقان توسط خداوند چیست؟

خداوند در آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی اسراء به یکی از سنت‌های خویش اشاره کرده که هر کس در هر مسیری قرار گرفت، او را در همان مسیر یاری می‌نماید، به همین جهت، منافقان نیز با قرار گرفتن در مسیر نفاق، مشمول این سنت الهی گردیده و بر بیماری آنان افزوده خواهد شد. هم‌چنین مشاهده‌ی قدرت روزافزون مسلمانان نیز سرگردانی و گمراهی آنان را بیشتر می‌نماید.

### آیه ۱۳ - سفاهت منافقان:

عقل سلیم آن است که ره آوردش عبادت خدای سبحان و راهیابی به بهشت باشد:

امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند: «عقل چیزی است که با آن خدای رحمان عبادت شود و بهشت با آن کسب گردد».